

فرهنگ اقوال

نوشته علی محمد القاسمی *
ترجمه حسن هاشمی میناباد

استدلال نگارنده در این مقاله این است که تعریف واژه «فرهنگ» در اغلب فرهنگها نمی‌تواند کتابهای مرجعی مانند فرهنگ اقوال (dictionary of quotations) را دربرگیرد. به اعتقاد نویسنده، واژه «فرهنگ» گسترش معنایی پیدا کرده است. ویژگی تمایزدهنده فرهنگها دیگر نوع اطلاعاتی نیست که عرضه می‌کنند، بلکه ترتیبی است که بر طبق آن اطلاعات آرایش می‌یابند. نگارنده با اثبات این موضوع که فرهنگ اقوال را می‌توان فرهنگ به معنای واقعی آن دانست، به مؤلفان، مدخلها، نمایه‌ها و طبقه‌بندی این نوع فرهنگها می‌پردازد. شماره‌هایی که در داخل علامت [] آمده مربوط به کتابشناسی آخر مقاله است.

مقدمه

گرچه استشهاد به اقوال مشهور و کلمات قصار در طول قرن بیستم از میان رفته است و امروزه دیگر مانند سده‌های پیشین معمول نیست، قرن حاضر شاهد تألیف تعداد کثیری فرهنگ اقوال در انواع و اندازه‌ها و با ارزشهای علمی متفاوت بوده است. تعداد فزاینده چاپهای تجدیدنظر شده این فرهنگها بر این حقیقت صّحّه می‌گذارد که موافق طبع استفاده‌کنندگان بسیاری بوده و نیازهای قابل توجه بازار کتاب را پاسخ گفته‌اند.^۱ یکی از نشریات اخیر بانک اطلاعاتی کتابخانه دانشگاه ایندیانا در بلومینگتون ۶۴۶ مورد فرهنگهای مختلف اقوال را در بر می‌گیرد و مسلماً این فهرست جامع نیست.

به هر حال، فرهنگ نگاران و زبان‌شناسان به این نوع خاص فرهنگها عنایتی نداشته‌اند و اگر هم توجهی کرده‌اند، بسیار گذرا و سطحی بوده است. همچنین در هیچ کلاس فرهنگ نگاری یا گردهمایی فرهنگ نگاران بحثی از فرهنگهای اقوال به میان نیامده است.

فرهنگ اقوال چیست؟

اگر به تعریف واژه «فرهنگ» در اغلب فرهنگهای عربی و انگلیسی و فرانسوی نگاه کنید، کمابیش به یک تعریف دست می‌یابید: فرهنگ عبارت است از کتابی حاوی بخشی از واژه‌های یک زبان که معمولاً به ترتیب الفبایی آرایش می‌یابند همراه با اطلاعاتی درباره معانی و تلفظ و املا، و مانند آنها به یک زبان یا به زبانی دیگر.^۲

چنین تعریفی فرهنگهای تخصصی یا عمومی، خواه تک‌زبانه و خواه دوزبانه، را در بر می‌گیرد، اما قدر مسلم این است که توجهی به فرهنگهای اقوال ندارد.

چرا تعریف فرهنگ ظاهراً فرهنگهای اقوال را مستثنی می‌کند؟ این پرسش دو پاسخ ممکن دارد:

الف) فرهنگ اقوال ابتکار جدیدی است در حوزه پر تحول فرهنگ نگاری که به مخاطبان خاصی محدود می‌شود. فرد عادی در جامعه انگلیسی زبان با شنیدن واژه فرهنگ، یک فرهنگ واژگانی به ذهنش متبادر می‌شود. به ذهن او خطور نخواهد کرد که ممکن است این واژه شمول گسترده تری هم داشته باشد. کسی فرهنگ لطیفه‌ها منتشر نمی‌کند، زیرا واژه «فرهنگ» مردمی را که طالب خنده و تفریح هستند از خود می‌رماند.

ب) فرهنگهای اقوال و کلمات قصار فرهنگ به معنای واقعی کلمه نیستند، و فرهنگ نگاران را حرجی نیست اگر در تعریف واژه فرهنگ به این گونه کتابها توجه نمی‌کنند. این نگرش توجیه‌کننده این نکته است که چرا ناشران کتابهای اقوال را «فرهنگ» نمی‌نامند؛ بلکه آنها را تحت عنوان کتاب، گنجینه

حاشیه:

* علی محمد القاسمی، استاد دانشگاه ریاض، رئیس بخش آموزش سازمان آموزش علمی و فرهنگی اسلامی و متخصص صاحب نام فرهنگ نگاری دوزبانه، از زبان‌شناسانی است که شهرت بین المللی دارد. کتاب زبان‌شناسی و فرهنگهای دوزبانه او به زبان انگلیسی (Leiden: E.J. Brill, 1977) از مراجع معتبر این رشته به شمار می‌رود. مقالات مهم دیگری نیز از او در مجموعه سخنرانیهای کنفرانسها و کنگره‌های بین المللی فرهنگ نگاری و کتابهای دیگر به چاپ رسیده است. مترجم مقاله حاضر بخشی از کتاب زبان‌شناسی و فرهنگهای دوزبانه را در ماهنامه کیک (شماره ۱۸ و ۱۹، شهریور و مهر ۱۳۷۰) ترجمه کرده است. القاسمی مقاله «فرهنگ اقوال» را پیش از ایراد آن در کنگره بین المللی فرهنگ نگاری در تابستان ۱۹۹۲ در فنلاند، برای مترجم فرستاد که به این وسیله از لطف این استاد بزرگوار سپاسگزاری می‌کنیم.

۱) بسیاری از این فرهنگهای اقوال چاپهای تجدیدنظر شده و تجدید چاپهای متعدد دارند. برای مثال، هر چند *Best Quotations for All Occasions* اولین بار در سال ۱۹۵۵ منتشر شد، در سال ۱۹۹۰ به چاپ سی و چهارم رسید [۱۳].

۲) برای نمونه نگاه کنید به مدخل «فرهنگ» در:

The Advanced Learners' Dictionary, Larousse Illustre, Micro Robert, Modern American Dictionary, Webster's New Collegiate Dictionary, و قاموس الوسیط تألیف فرهنگستان عرب.

(treasury)، یا صرفاً اقوال و کلمات قصار قرار می‌دهند. اما دو نکته پذیرفتن توجیهاات فوق را مشکل می‌کند. نخست اینکه فرهنگهای اقوال ابتکار جدیدی نیستند. اولین فرهنگ اقوال در زبان عربی در قرن دهم م. / چهارم هـ. گردآوری شد [۱]. اولین فرهنگ اقوال بریتانیایی در سال ۱۷۷۹ و نخستین فرهنگ امریکایی در سال ۱۸۸۵ [۳] نوشته شد. دوم اینکه بعضی از فرهنگ نگاران و ناشران هم فرهنگهای اقوال و هم فرهنگهای زبانی را انتشار می‌دهند، اما تعریف آنها از واژه فرهنگ، مانند دیکسیونر روبر و لاروس، فرهنگهای اقوال را دربر نمی‌گیرد. یکی از راههای بررسی این مسئله پذیرفتن این نکته است که واژه «فرهنگ» اخیراً «گسترش معنایی» پیدا کرده است. در نتیجه، فرهنگ دیگر فقط به فهرستی از واژه‌ها با اطلاعات مربوط به آنها محدود نمی‌شود، بلکه موضوعات یا عناصری مربوط به حوزه یا فعالیت خاصی را که به ترتیب الفبایی آرایش یافته‌اند نیز دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، ویژگی تمایزدهنده فرهنگها از ویژگی محتوایی به ویژگی صوری تغییر کرده است. این ویژگی تمایزدهنده اکنون نوع اطلاعاتی نیست که این کتابها فراهم می‌کنند، بلکه ترتیبی است که در آن، اطلاعات به گونه‌ای انتظام می‌یابند که کاربرنده به راحتی می‌تواند به آنها دسترسی داشته باشد. مواردی از این «گسترش معنایی» عبارت‌اند از فرهنگهای مختلف لطایف [۲۴]، فرهنگهای فیلمها [۳۰]، و فرهنگهای نمادها و نشانه‌ها [۸].

برای به دست دادن تعریف قابل قبولی از فرهنگ اقوال باید کتابهایی را که دارای این عنوان‌اند به دقت بررسی کرد. نگارنده پس از انجام دادن این کار، تعریف زیر را پیشنهاد می‌کند: «فرهنگ اقوال کتاب مرجعی است حاوی اقوال و گفته‌های مشهور و زبانزد که به شیوه‌ای مناسب، معمولاً به ترتیب الفبایی، بر اساس موضوع یا گوینده و نویسنده تدوین می‌شود.»

«گفته» یا «قول» (quotation) چنین تعریف شده است: «قطعه‌ای عاریت گرفته از نویسنده‌ای که می‌توان او را منبعی معتبر و قابل اعتماد شمرد.» [۱۸]. گرچه این تعریف در اساس صحیح است، نیازی به گفتن نیست که فرهنگ اقوال نمی‌تواند تمام اقوال درباره موضوعات مختلف را در خود جای دهد. فرهنگ نگار باید معیاری برای انتخاب مدخلها تعیین کند. به طور کلی، «شهرت» یا «زبانزد بودن» معیار اصلی گزینش مدخلهاست. اگر قول و گفته‌ای مشهور و زبانزد عام و خاص باشد، در فرهنگ ثبت می‌شود. به عبارت دیگر، انتخاب اقوال باید به نقل قولهای واقعی محدود شود و عباراتی که به اعتقاد شخصی فرهنگ نگار قابل نقل هستند نباید ثبت شود [XIII، ۲۵].

علاوه بر این ویژگی تمایزدهنده صوری اقوال، ویژگی

ساختاری دیگری وجود دارد و آن هنگامی است که نقل قولها به صورت عبارتهای قالبی (fixed phrases) در می‌آیند. ویژگیهای آوایی و نحوی و معنایی عبارتهای قالبی و با ویژگیهای عبارتهای آزاد متفاوت است [۱۴، 126-129]. به هر حال، بررسی عمیق اقوال و کلمات قصار ثابت می‌کند که همه آنها عبارتهای قالبی نیستند. برخی از امثال و تمثیلهای اقوال و کلمات قصار عبارات قالبی هستند، مانند «کار از محکم کاری عیب نمی‌کند» (مَثَل)، «از حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود» (تمثیل)، «لقمان را گفتند ادب از که آموختی، گفت از بی ادبان» (قول).

همان گونه که مکین [۲۱، 150-153] متذکر می‌شود، هر قدر مردم قول خاصی را بیشتر به یک شکل و صورت به کار برند، هر یک از واژه‌های سازنده آنها در پیوند با واژه‌های دیگر آن عبارت ثابت و قابل پیش‌بینی می‌شود.

استفاده از معیار شهرت یا زبانزد بودن در انتخاب مدخلها به برقراری تمایز بین فرهنگ اقوال و گزیده ادبی قطعات نظم و نثر کمک می‌کند. با وجود این، تعیین شهرت یا زبانزد بودن اقوال و کلمات قصار مشکل است. معیار شهرت چیست؟ آیا هیئت یا شورایی از تحصیل کردگان اهل زبان می‌تواند تعیین کند که اقوال خاصی آن قدر شهرت و عمومیت دارند که می‌توان آنها را در فرهنگ ثبت کرد؟ یا باید «اقوال ذکر شده در مقالات مهم روزنامه‌ها و مجلات و...» را معیار قرارداد، یعنی همان راهی که فرهنگ اقوال آکسفورد در پیش گرفته است؟ شیوه‌های مختلفی را می‌توان برای تعیین شهرت و عمومیت اقوال به کار برد.

موضوع مورد اختلاف دیگر طول اقوال است. فرهنگها و کتابهای درسی نقد ادبی یا علم بلاغت هیچ کدام دقیقاً طول قطعه عاریت گرفته را مشخص نمی‌کنند. برای مثال، مدخلهای فرهنگ اقوال آکسفورد از مدخلهای یکی دو کلمه‌ای (برای مثال، I thirst) یا چهار کلمه‌ای (مثلاً My kingdom for a horse) تا قطعه ۴۲ مصراع‌ی متفاوت است. مردم معمولاً قول را کلام کوتاه و حکیمانه و طیبیت‌آمیز تصور می‌کنند.

فرهنگهای معمولی زبان، اقوال را نیز ثبت می‌کنند، اما هدف و نقش اینها در فرهنگهای معمولی و فرهنگهای اقوال متفاوت است. فرهنگهای زبانی از اقوال برای نشان دادن کاربرد واژه تعریف شده یا ترجمه شده و روشن کردن معنی آن استفاده می‌کنند، در حالی که فرهنگهای اقوال گفته‌های مشهوری را برای خوانندگان فراهم می‌کنند تا در گفتار و نوشتار خود از آنها استفاده کنند.

اگر گفته‌ها و نوشته‌هایی که در فرهنگهای زبانی به کار می‌روند عیناً نقل نشوند بلکه فرهنگ نگاران تغییراتی در آنها بدهند یا به نویسنده یا گوینده خاصی منتسب نشوند، به آنها

«مثال» یا «شاهد کلامی» می‌گویند [۲، 92-93].

فرهنگهایی که اقوال را «قطعه‌ای عاریت گرفته از نویسنده‌ای که می‌توان او را معتبر و قابل اعتماد شمرد» توصیف می‌کنند تعریف جامع و مانعی به دست نمی‌دهند. فرهنگهای اقوال و کلمات قصار علاوه بر قطعه‌هایی از کتاب مقدس یا کتابهای مذهبی دیگر، تعداد بسیاری امثال و حکم و پند و اندرز از نویسندگان و شاعران بی‌نام و نشان نیز ثبت می‌کنند.

مؤلفان فرهنگهای اقوال مواد خود را از ادبیات شفاهی و فولکلور، کتابها، روزنامه‌ها، مجلات، نمایشنامه‌ها، مواعظ مذهبی، مکالمات مردم، فیلمهای سینمایی، رادیو و تلویزیون گرد می‌آورند. از متن خاصی آن هنگام نقل قول می‌شود که قدیمی و حایز اهمیت و دارای ارزش مذهبی یا ادبی باشد.

برخی از ناشران به دلایل تجاری ترجیح می‌دهند علاوه بر یک فرهنگ اقوال که هیچ مثلی در آن ضبط نمی‌شود، فرهنگ جداگانه‌ای از امثال را انتشار دهند. این امر ممکن است چنین به ذهن متبادر کند که امثال در واقع اقوال مشهور نیستند.

جای تردید نیست که امثال یکی از انواع اقوال هستند. وقتی که مؤلفان فرهنگ اقوال آکسفورد در مقدمه بیان می‌کنند که چون امثال در فرهنگ امثال انگلیسی آکسفورد ضبط شده‌اند آنها را در این کتاب وارد نکردیم، در واقع اذعان دارند که امثال جزو اقوال اند. موضوعی که گردآورندگان فرهنگ اقوال آکسفورد ناگفته گذاشته‌اند این است که امثال را نمی‌توان مانند بقیه اقوال زیر عنوان نویسندگان خاصی آورد، زیرا اغلب امثال نویسنده خاصی ندارند و معمولاً به سنت شفاهی مربوط می‌شوند. بنابراین، چاره‌ای جز ترتیبی از نوع دیگر، مثلاً الفبایی یا موضوعی، نیست. وقتی فرهنگ اقوال بر اساس موضوع آرایش یابد، می‌توان امثال را به آسانی در آن جای داد.

جالب این که در فرهنگ نگاری کشورهای اسلامی، که قدمت آن به قرن هفتم میلادی / اول هجری می‌رسد، تألیف کتابهای امثال و حکم بسیار پیشتر از تألیف واژه‌گانها و فرهنگهای معمولی یا فرهنگهای اقوال آغاز شد. امثال ابزار اصلی کار قصه‌گویان و راویان در سده‌های ششم و هفتم (یک قرن قبل از هجرت و قرن اول هجری) بود. اولین کتاب امثال را به عبید بن شریح جرهمی یمانی نسبت می‌دهند. در کتابهای ادبی قدیمی عرب از او به عنوان شخصیتی افسانه‌ای یاد می‌شود که در حدود سیصد سال قبل از ظهور اسلام زندگی می‌کرده است. به هر حال، کتاب او از میان رفته و به دست ما نرسیده است. در اواخر قرن هشتم م. / دوم ه. زبانشناسان مسلمان گردآوری امثال را آغاز کردند و جنبه‌های واژگانی و صرفی و ساختاری آنها را به عنوان مثالهای مطلوبی از عربی کلاسیک بررسی کردند. زبانشناسان مسلمان

مانند ابو عمرو بن العلاء (متوفی ۷۷۰ م. / ۱۴۹ ه.) و مفضل ضبی (متوفی ۷۸۶ م. / ۱۶۵ ه.) کتابهای امثالی گردآوری کردند که امروزه هم باقی است.

بیشتر کتابهای امثال عربی قدیمی، امثال را به ترتیب الفبایی (بر طبق اولین حرف مثل) تدوین می‌کردند. ذیل هر مثلی این اطلاعات عرضه می‌شد:

الف) نام گوینده یا نویسنده مثل در صورت معلوم بودن؛

ب) معنی مثل؛

پ) موارد کاربرد؛

ت) جنبه دستوری یا ساختاری مثل، در صورت لزوم؛ و

ث) تاریخچه یا داستانی که باعث به وجود آمدن مثل شده است. به استثنای فرهنگ التمثیل و المحاضرة تألیف ثعالبی که در آن امثال با دیگر انواع اقوال و کلمات قصار آمده است، مؤلفان و ناشران معمولاً امثال را در کتابهای جداگانه گرد آورده‌اند.

طبقه‌بندی فرهنگهای اقوال

طبقه‌بندی کتابهای مرجع به طور عام و طبقه‌بندی فرهنگها به طور خاص فواید عملی دارد و به کتابداران در طبقه‌بندی و فهرست نویسی این کتابها کمک می‌کند و یاریگر کاربرندگان فرهنگ در انتخاب کتابی است که به بهترین وجه نیازهای آنان را برآورده کند.

فرهنگهای اقوال را می‌توان با استفاده از سه مقوله ترتیب و دامنه و تخصص طبقه‌بندی کرد.

الف) ترتیب

ترتیب در فرهنگ اقوال یا بر اساس نویسندگان است یا بر اساس موضوعات. در ترتیب بر اساس نویسندگان، نامهای نویسندگان و گویندگان به ترتیب الفبایی یا تاریخی (ذیل نام کشور در صورتی که اقوال از تمام جهان باشد) آرایش می‌یابند و اقوال به ترتیب الفبایی بر طبق اولین حرف آنها یا اولین حرف کتابی که از آن نقل می‌شود ذیل نام هر نویسنده‌ای فهرست می‌گردند. آرایش درون هر فرهنگ یا به ترتیب تاریخی است یا الفبایی. اما ترتیب موضوعی بدین صورت است که عنوانهای موضوعی به ترتیب الفبایی فهرست می‌شوند و ذیل هر یک از آنها اقوال مربوط به آن به ترتیب الفبایی نام نویسندگان آنها یا حرف اول خود آنها آرایش می‌یابند.

به طور کلی، امروزه فرهنگهای عمده اقوال مانند آکسفورد، پنگوئن، روبر، و لاروس به ترتیب نام نویسندگان با نمایه موضوعی گرایش دارند، در حالی که فرهنگهای کوچک به پیروی از روش ترتیب موضوعی با نمایه نویسندگان در آخر کتاب

متماثل اند.^۲

جالب است بدانید که ثعالبی (۴۲۹-۳۵۰ هـ) مؤلف اولین فرهنگ واقعی اقوال عربی، ترکیبی از این دو ترتیب را به کار گرفته است. او در مقدمه کتاب خود، التمثیل و المحاضرة، بدرستی متذکر می شود که فرهنگ او تمام اقوال قرآن، تورات، انجیل، زبور، حدیث، امثال عرب و عجم، سخنان خلفا، وزرا، فلاسفه، اطباء، شعرا و ادبا را دربرمی گیرد [۱، ص ۵].^۲

در نتیجه، ثعالبی دو نوع ترتیب را در يك فرهنگ انتخاب می کند: ترتیب بر اساس نویسنده برای اقوالی که نویسندگان آنها را می شناخته، و ترتیب بر اساس موضوع برای اقوالی که نام و نشانی از نویسندگان و گویندگان آنها در دست نداشته است مانند امثال و اشعاری که به فرد خاصی منتسب نیستند. در اولین فصل کتاب از ترتیب بر اساس نویسندگان پیروی شده و در سه فصل دیگر ترتیب بر طبق موضوع است.

ترتیب نویسندگان در اولین فصل التمثیل و المحاضرة توالی تاریخی است. برای مثال، نام نویسندگان از متقدمترین تا متأخرترین آنها آمده است. اقوال بسیار مشهور بدون هیچ گونه نظمی ذیل نام هر نویسنده ذکر شده است. اقوال در سه فصل دیگر بر طبق عنوانهای موضوعی مرتب شده است. برای مثال، عناوین بخش احوال الانسان و اطواره المختلفه به شرح زیر است: وصف الشباب، ذم الشباب؛ وصف الشیب (میانسالی)، ذم الشیب؛ مدح الخضاب، ذم الخضاب؛ وصف الکبر و مشارفة الفناء؛ وصف الغنی؛ مدح الغنی و المال، ذم الغنی و المال؛ مدح الفقر، ذم الفقر؛ وصف الفقیر؛ السعادة؛ الشقاوة؛ الأمن؛ الخوف؛ الشغل و الفراغ. این موضوعات به ترتیب الفبایی نیامده اند و اقوال ذیل هر يك از آنها دارای هیچ نظم خاصی نیست.

ب) دامنه

فرهنگهای اقوال را از نظر دامنه می توان چنین تقسیم بندی کرد: دامنه زبانی: فرهنگهای اقوال ممکن است تکزبانه یا دوزبانه [۱۵] یا چندزبانه [۱۷] باشند. بر طبق شواهد، فرهنگهای دوزبانه اقوال انگلیسی زمانی معمول بودند که لاتین و یونانی و فرانسه در حیات ادبی انگلستان نقش فراوانی داشتند. حال آن که امروزه فرهنگهایی از این دست به ندرت یافت می شوند.

دامنه جغرافیایی: فرهنگهای اقوال را می توان برحسب منطقه جغرافیایی نیز طبقه بندی کرد. فرهنگهایی هستند که به اقوال يك کشور [۲۲] یا اقوال خارجی [۱۰] محدودند؛ برخی دیگر اقوال سراسر جهان را ثبت می کنند [۲۳].

دامنه تاریخی: فرهنگهای اقوال را می توان بر اساس دوره ای که اقوال آن جمع آوری می شود تقسیم کرد. در نتیجه، فرهنگهای

اقوال معاصر [۱۲] و فرهنگهای اقوال تمام اعصار [۵] یافت می شوند. دامنه انواع ادبی و زبانی (genre): فرهنگهای اقوال را می توان برحسب نوع ادبی خاصی که مواد از آن استخراج می شود رده بندی کرد. نتیجتاً فرهنگهای تك نوعی را می توان یافت که اقوال آن فقط از شعر استخراج شده است [۳۱]. اما اغلب فرهنگهای اقوال به نوع ادبی و زبانی خاصی محدود نیستند و اقوال انواع ادبی گوناگونی را دربر دارند.

ج) فرهنگهای اقوال خاص و فرهنگهای اقوال عام
فرهنگ اقوال عمومی به موضوعات مختلف و حوزه های گوناگون دانش می پردازد [۱۳]، اما فرهنگهای اقوال تخصصی تنها اقوال يك موضوع یا حوزه ای از دانش مثلا موفقیت [۳۳]، تجارت [۳۲]، تعاریف [۶]، طنز [۱۱] را گرد می آورند.

تفاوت بین فرهنگهای زبانی و فرهنگهای اقوال این دو نوع فرهنگ از جنبه های مختلفی مانند هدف، گردآورنده، مدخلها، نمایه ها با هم تفاوت دارند.

گرچه هر دو نوع فرهنگ تقریباً برای برآوردن نیازهای يك مخاطب مشترك یعنی دانشجویان و معلمان و استادان و قضات و روزنامه نگاران و خطیبان و واعظان و امثال آنها و به عبارت دیگر همه کسانی که زبان را در گفتار و نوشتار خود به کار می برند تدوین می شوند، هدف آنها با هم متفاوت است. فرهنگهای زبانی اطلاعات زبانی خاصی درباره واژه ها و عبارات زبان، معانی، املا، کاربرد، تلفظ، و ریشه شناسی آنها را برای مخاطبان و کاربرندگان خود فراهم می کنند، در حالی که فرهنگهای نوع دوم اقوال مشهور درباره موضوعات مختلف را به دست می دهند.

فرهنگهای زبانی را زبان شناسان و فرهنگ نگاران تدوین می کنند، اما تألیف فرهنگهای اقوال را ادیبان به عهده دارند. هیتی که فرهنگ اقوال آکسفورد را تألیف کرد، از متخصصان آثار شکسپیر، میلتن، پوپ، تیسون و درایدن تشکیل می شد. ثعالبی مؤلف اولین فرهنگ اقوال عرب نویسنده پرکاری بود که آثارش، که برخی از آنها در چندین جلد است، به صد مجلد بالغ می شود. او ادیب و منتقد شعر و مورخ و در عین حال زبان شناس و فرهنگ نگار بود.

مدخلهای فرهنگهای زبانی معمولاً از تکواژها، واژه ها، اصطلاحات و عبارات تشکیل می شوند، حال آن که مدخلهای اقوال مشتمل بر اسامی نویسندگان یا عناوین موضوعی است. هیچ يك از فرهنگهای زبانی نمایه یا فهرست ندارند، بجز فهرست کوتاهی از علائم اختصاری یا نشانه هایی که در فرهنگ به کار می رود. نمایه در فرهنگهای اقوال حدود يك سوم کل کتاب

- [19] Larousse (1983): *Petit Larousse illustré*. Librairie Larousse, Paris.
- [20] Larousse (1989): *Dictionnaire des citations françaises*. Librairie Larousse, Paris.
- [21] Makin, R. (1978): «On Collocations: 'Words Shall be Known by the Company They Keep'». In: *In Honour of A.S. Hornby*. Ed. by Peter Strevens. Oxford Univ. Press, Oxford.
- [22] Macmahon, Sean (1984): *A Book of Irish Quotations*. O'Brien Press, Dublin.
- [23] Montreynaud, Florence & Jeanne Matignon (1979): *Dictionnaire de citations du monde entier*. Le Robert, Paris.
- [24] Negre, Hervé (1973): *Dictionnaire des histoires drôles*. Librairie Arthème Fayard, Paris.
- [25] Oxford University Press (1952): *The Oxford Dictionary of Quotations*. Oxford Univ. Press, London.
- [26] Powell, David (1985): *The Wisdom of The Novel: A Dictionary of Quotations*. Garland Publishing, Inc., New York.
- [27] Rey, Alain (1979): «Avant-propos». In: *Dictionnaire de citations du monde entier*. Ed. by F. Montreynaud et J. Matignon. Le Robert, Paris.
- [28] Robert (1979): *Dictionnaire de citations du monde entier*. Le Robert, Paris.
- [29] Robert (1990): *Micro Robert*, Le Robert, Paris.
- [30] Sadoul, Georges (1976): *Dictionnaire des films*. Microcosme/ Seuil, Paris.
- [31] Taylor, Archer (1958): *A Dictionary of American Proverbs and Proverbial Phrases*. Belknap Press of Harvard University Press, Cambridge.
- [32] Thomsett, Michael C. (1991) *A Treasury of Business Quotations*. Ballantine Books, New York.
- [33] Uttenhove, Luc (1988): *1000 citations pour réussir*. Marabout, Ailleur.

حاشیه:

- (۳) برای مثال نگاه کنید به عنوانهایی که در کتابهای شماره [۷]، [۱۶]، [۲۲]، [۳] و [۱۳] کتابشناسی این مقاله به کار رفته است.
- (۴) تعالی اطلاعاتی را که در کتاب خود عرضه کرده است چنین برمی شمرد:

اسلامی جاهلی، و عربی عجمی، و ملوکی سوقي، و خاصی عامی، یشتمل علی أمثال الجمیع، و یضم نشر ما یجری مجراها من ألفاظهم، و یضمّن ما یأخذ مأخذها من فرائد النثر، و قلائد النظم، و فوائد الجِدِّ، و نوادر الهزل. فیوجد فیها ما یتمثل به من القرآن و التوراة و الإنجیل و الزبور، جوامع کَلِمِ النَّبِیِّ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و کلام الأنبیاء علیهم الصلاة والسلام قبله، و کلام الصحابة و التابعین رضی الله عنهم بعده، و عیون أمثال العرب و العجم، و ما یناسبها و ما یشاء کلها من تنب الخلفاء، و فقر الملوك و الوزراء، و نکت الزهاد و الحكماء، و لَمَع المحدثین و الفقهاء، و حکم الفلاسفة و الأطباء، و غرر البلغاء و الشعراء، و ملح المَجَان و الظرفاء، و طَرف السُّؤال و الفوغاء، و ما تختص به کل طبقة من هؤلاء، و ما یفرد به کل فرقة من الدهاقین و التجار، و سائر أهل الصناعات المتباينة الأقدار، و لا یعدم فیها ما یتمثل به من الشمس و القمر و النجوم، و الآثار العلویة، و الذهر و الدنيا، و ضروب الجمادات، و أنواع الحيوانات، و صتوف الأدوات و الآلات، و لا یسُد عنه ما ینخرط فی سلك الأمثال: من ذکر الأحوال و المعاسن و المساوی و الأوصاف (به نقل از التمثیل و المحاضرة، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۱ هجری-م).

- (۵) نگارنده از استاد محمد ابوطالب، اس.جی. آتوما، و پائول آلن به خاطر تذکرات ارزشمندشان سپاسگزاری می کند.

را اشغال می کند. خود نمایه ممکن است برحسب شیوه تدوین فرهنگ اسامی نویسندگان یا موضوعات را دربر داشته باشد. سخن آخر اینکه وجه مشترک این دو نوع فرهنگ نقش تکمیلی آنهاست: فرهنگهای زبانی پیشرفتهای علمی و فرهنگی جامعه خاصی را منعکس می کنند، در حالی که فرهنگهای اقوال ارزشهای اجتماعی و اخلاقی این جامعه را نشان می دهند که در مغزهای متفکر آن تبلور یافته است. اگر فرهنگهای زبانی به طور گسترده ای از اقوال و کلمات قصار به عنوان شواهد استفاده کنند، هر دو نقش را به دوش می کشند؛ در غیر این صورت به گفته ولتر «فرهنگ بدون شاهد کالبدی است بیجان» [۲۷، VI] ۵.

کتابشناسی:

- [۱] الحلو، عبدالفتاح محمد [تحقیق]، (۱۹۸۳) التمثیل و المحاضرة الثعالی. الدار العربیة للكتاب. قاهره.
- [2] Al-Kasimi, A.M. (1977): *Linguistics and Bilingual Dictionaries*. E. J. Brill, Leiden.
- [3] Barlett, John (1980): *Familiar Quotations*. Little Brown & Co., Boston, 15th edition.
- [4] Bohn, Henry George (1883): *A dictionary of Quotations from English and American Poets*. T. Y. Crowell, New York. (not seen).
- [5] Bradly, John P. (1969): *The International Dictionary of Thoughts; an Encyclopedia of Quotations from Every Age for Every Occasion*. J. C. Ferguson Pub. Co., Chicago.
- [6] Brussell, Eugene E. (1988): *Webster's New World Dictionary of Quotable Definitions*. Prentice Hall, Englewood Cliffs, N. J.
- [7] Carruth, Gorton (1988): *The Harper Book of American Quotations*. Harper & Row, New York.
- [8] Chevalier, Jean et Alain Cheerbrant (1969): *Dictionnaire des Symboles*. Laffont/ Jupiter, Paris.
- [9] Cohen, J. M. & M. J. (1987): *The Penguin Dictionary of Quotations*. Omega Books, Ware.
- [10] Collison, Robert Lewis (1980): *Dictionary of Foreign Quotations*. Facts on File, New York.
- [11] Esar, Evan (1949): *The Dictionary of Humorous Quotations*. Doubleday, Garden City, N. Y.
- [12] Green, Jonathon (1982): *International Dictionary of Contemporary Quotations*. W. Morrow, New York.
- [13] Henry, Lewis C. (1955): *Best Quotations for All Occasions*. Fawcett Premier, New York (34th printing in 1990).
- [14] Hill, Archibald A. (1958): *Introduction to Linguistic Structures*. Harcourt, Brace & World, Inc., New York.
- [15] Hoyt, Jehiel Keeler (1894): *The Encyclopaedia of Practical Quotations*, English and Latin. Funk & Wagnall, New York (not seen).
- [16] Hurd, Charles (1964): *A Treasury of Great American Quotations*. Howthorn Books, New York.
- [17] Jones, Hugh Percy (1923): *Dictionary of Foreign Phrases and Classical Quotations*. J. Grant, Edinburgh. (Comprising Quotations in Latin, Greek, French, German, Portuguese, Italian, Spanish with English Translations) (not seen).
- [18] Littré, Emile (1958): *Dictionnaire de la langue française*. Ed. Universitaires, Paris (4° édition).